

متن پرسش

بسمه تعالی سلام علیکم: استاد امروز با یکی از دوستان در حال مباحثه بودم ایشان مدعی بودند فلسفه اسلامی بر خلاف فلسفه غرب به بن بست رسیده و به تعبیری دچار تسلب و جمود شده است. دلیلشان هم این بود که فلسفه غرب ویژه با ظهور دکارت و فلاسفه اگزیستانسیالیست غرب به توسعه و رشد فزاینده و پر سرعت و مستحکم رسید اما جوامع اسلامی و فلاسفه آن توفیقی در رشد جامعه و استحکام آنها به نسبت فلاسفه غرب نداشتند. من در جواب ایشان گفتم انقلاب اسلامی، حاصل رشد گام به گام و تجلی حکمت متعالیه جناب ملاصدرا است که خود ایشان هم دقیقاً در زمان دکارت که غرب مشغول گسترش امپراطوری خود و گذار از قرون وسطی و کلیسا بود، با بنیان گذاشتن ریشه های این مرحله بزرگ فلسفه اسلامی ویژه در کتاب اسفار و سه اصل، رویکرد اصیل تمدنی را ایجاد کردند که آرام جلو آمد و بوسیله حضرت امام و مقام معظم رهبری و انقلابیون صدیق و بیدار، تجلی کرد و توانست افق نوینی را رو به روی بشر متلاطم در دوری از خود راستین و تفکیک های مدرنیته بگشاید و این دقیقاً ماحصل همان حرکت جناب صدرا است. آیا پاسخ من درسته و آیا واقعاً فلسفه اسلامی به بن بست می رسد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور است که فرموده‌اید. ولی به گفته‌ی آقای دکتر داوری در سخنان اخیرشان و آقای دکتر طالب‌زاده؛ هر اندازه با فلسفه‌ی غرب آشنا شویم، در زنده‌ترکردن فلسفه‌ی اسلامی موفق‌تر خواهیم بود. موفق باشید